

نقش مدیریت کلاسی در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

پروانه افتخار نیری

چکیده

تدریس امر پیچیده‌ای است که لازمه‌ی آن تنها داشتن اطلاعات تخصصی خاصی نیست. بلکه داشتن مهارت نگرش‌ها و دیدگاه‌های قابل یاددهی نیز ضرورت دارد. امروزه هدف از تدریس فقط انتقال دانش موجود به دانش آموزان نبوده بلکه شامل آموزش شیوه‌هایی است که به دانش آموزان یاد داده می‌شود چگونه یاد بگیرند. ایجاد و حفظ محیط مناسب برای فعالیت‌های یاددهی و یادگیری ایجاد می‌کند که معلمان از ویژگی‌های کلاس درس موانع بازدارنده و مغل یاددهی - یادگیری و راه کارها غلبه بر آن‌ها آگاهی کافی داشته باشند. در این مقاله ما ابتدا به تعریف مدیریت کلاس پرداخته سپس موانع مغل اداره‌ی اثر بخش کلاس را بیان کرده و سپس راهبردهای مدیریت موثر کلاس را ارائه می‌نمائیم.

مقدمه

تحقیقات بیشماری نشان داده است که بسیاری از مشکلات اخلاقی و اجتماعی نوجوانان ما حاکی از جذاب نبودن محیط مدرسه و کشمکش‌های اینگونه‌ی دانش آموزان با معلمان و افت تحصیلی آنان بوده است. و لذا وجود مدیریت کارآمد معلمان و ایجاد شرایط لازم برای تسهیل در امر یادگیری در کلاس که مطابق نیازها و ویژگی‌های فراگیران باشد لازمه‌ی جامعه‌ی امروزی و راه‌گشای بسیاری از مشکلات نوجوانان می‌باشد. اینکه در فضای آموزش فعلی به جای اینکه به دانش آموزان توصیه‌ی نظم و انضباط شود باید به معلمان یادآوری گردد که در اداره‌ی کلاسشان از روش‌های مدیریتی نوین استفاده گردد. و معلمان با توانمندی مدیریتی خود می‌توانند پایگاه و منزلت واقعی خود را حفظ کنند.

مدیریت کلاس اولین سطح مدیریت آموزشی است. و پایه‌ی سطوح بالاتر مدیریت یعنی مدیریت مدرسه، مدیریت ناحیه و مدیریت کل نظام آموزش و پرورش محسوب می‌شود و در شکل دادن به ساختار آموزش و فرآیند تدریس و ساخت شخصیت و روند ذهنی عاطفی آموزش و تربیت دانش آموز نقش اساسی دارد.

گرچه کار معلم بر اساس نگرش‌های و شخصیت از یک سو و همه‌جانبه بودن او بر اساس مهارت در توانمندسازی دانش آموزان از سوی دیگر سنگ بنای مدیریت کلاس درس است اما معلم به مهارت‌ها و فنون سازمان‌دهنده نیاز دارد تا شرایط بهینه‌ای را برای تحقق یادگیری خلق کند.

بی‌تردید در کلاس نیز مانند طب باید به پیشگیری پیش از اصلاح اهمیت داد. و جای امیدواری است که در حوزه‌ی پژوهش توجه فزاینده‌ای به روش‌هایی می‌شود که معلمان می‌توانند با آن‌ها از بروز مشکلات انضباطی پیشگیری کنند. شاید مهم‌ترین یافته این پژوهش‌ها که شگفت‌آور هم نیست آن است که میزان نظم کلاس خیلی بیشتر از آنکه به بسامد و پافشاری اعمال معلم برای حفظ و بازگرداندن نظم بستگی داشته باشد به ماهیت جاری در کلاس بستگی دارد به زبان رایج کنونی در مدیریت کلاس قوت بردار اصلی جریان اصلی فعالیت‌ها در برقراری و حفظ نظم بیشترین تاثیر را دارد.

پرداختی ۱۳۷۲ مدیریت را کار کردن با افراد و به وسیله ی افراد و گروه ها برای تحقق اهداف سازمانی بیان می کند. او همچنین مدیریت را مجموعه ی فرآیندهایی می داند که از طریق آن ها منابع انسانی و مادی مناسب و مورد نیاز فراهم می گردد و از طریق نفوذ به رفتار و افراد در جهت تحقق اهداف سازمان اثر بخش می گردد.

مدیریت کلاس دارای تعاریف گوناگونی می باشد اما معمولاً شامل اقداماتی است که معلم برای ایجاد نظم درگیر کردن دانش آموزان یا جلب مشارکت آنان انجام می دهد.

صفوی مدیریت کلاس درس را رهبری کردن امور کلاس درس از طریق تنظیم برنامه ی درسی سازمان دهی مراحل و کار و منابع سازمان دهی محیط به منظور بالا بردن کار آیی نظارت بر پیشرفت دانش آموز و پیش بینی مسائل بالقوه می داند.

دوک ۱۹۷۹ مدیریت کلاس را عبارت از مقررات و روش های ضروری ایجاد و حفظ محیط می داند که در آن آموزش و یادگیری بتواند اتفاق بافتد.

دویل می گوید: اقداماتی و راهبردهایی که معلمان برای حل مسئله ی نظم در کلاس به کار می برند.

اما علت پیچیدگی مدیریت کلاس از نظر جکسون ناشی از چندین خاصیت تدریس در کلاس است^۱ که عبارتند از: چند بعد گرایی (رویدادها و افراد گوناگون) همزمانی (رویدادهای زیاد در یک زمان رخ می دهد) فوریت (سرعت رویدادها موجب محدودیت فکر کردن می شود) عدم قابلیت پیش بینی رویدادها و پیامدها عمومیت (رویدادها اغلب در حضور اکثر یا همه ی دانش آموزان رخ می دهد) و تاریخ (اقدامات و رویدادها دارای گذشته و آینده هستند)

جونز با تعیین پنج ویژگی عمده بر ماهیت جامع مدیریت کلاس تاکید می کند.

۱. درک پژوهش و نظریه های رایج در مدیریت کلاس و نیازهای روان شناختی و یادگیری دانش آموزان

۲. ایجاد و روابط مثبت دانش آموزان – معلم و همکاران

۳. استفاده از روش های مدیریت گروهی و سازمانی که رفتار ضمن کار را به حداکثر برسانند.

۴. استفاده از روش های آموزش که یادگیری مطلوب را با پاسخ به نیاز های تحصیلی تک تک دانش آموزان و گروه کلاس تسهیل کند

۵. توانایی استفاده ی گسترده از روش های رفتاری و مشاوره ای برای کمک به دانش آموزان که مشکلات رفتاری جدی از خود بروز می دهند.

با توجه به مطالب بالا و تعریف مدیریت کلاس درس گستره ی وسیعی از عملیات و کارها را در بر می گیرد و بیشتر محققین تلاش کرده اند راهبردها و رفتارهای معلم را به گونه ای تعیین کنند که یک یا اهداف بیشتری از مدیریت را به حد مطلوب برسانند.

این پژوهش ها بیشتر تحت تاثیر مطالعات کوئین و همکاران وی در سال ۱۹۷۰ بود. کوئین چهار توانمندی برای معلم در کلاس قائل است :

۱. اشراف کامل یا توانایی دیدن کلاس در تمام اوقات دخالت فوری در موقعیت ها و اجتناب از خطا در زمان و هدف
۲. هم پوشی یا توانایی انجام دادن هم زمان چند کار هنگام کار با افراد یا گروه
۳. نیروی فزاینده در طول دروس که معلمان را قادر می سازد تا به حواس پرتی های بالقوه غلبه کرده و آمادگی ثابت و آهنگ آموزش فرح بخش داشته باشد.
۴. چالش و تنوع در تکلیف که علاقه و جهت یابی دانش آموزان را به کار در کلاس حفظ می کند.

کار کوئین به تغییر تمرکز پژوهش های مدیریتی از راهبردهای واکنش به راهبرد های پیشگیرانه و از شخصیت معلم به مدیریت استراتژیک و محیطی کمک کرد. کار او همچنین تاثیر فعالیت های کلاس به عنوان منبع مهم گوناگونی و رفتار دانش آموزان را برجسته ساخت.

پژوهش های مبتنی بر فرآیند - نتیجه در خلال سال های دهه ۱۹۷۰ محرکی بود برای بررسی مدیریت کلاس مطالعات در این حوزه رفتار معلمان را هدف قرار داد که نتایج پیشرفت دانش آموزان را پیش بینی کرد. گود و گروور ۱۹۷۷ پژوهشی را روی آموزش ریاضی ابتدایی اجرا کردند و آن ها دریافتند معلمانی که منافع پیشرفت تحصیلی بالا داشته اند دارای مهارت مدیریتی بهتری بودند و وقت کمتری را صرف برطرف کردن مشکلات انضباطی کلاس می کردند. چنین معلمانی با فراهم کردن دستورالعمل ها و توضیحات واضح و ادامه فعالیت ها در یک سرعت مناسب فعالیت های آموزشی را موثرتر اداره می کردند. مجموعه مطالعات دیگر انجام شده توسط سور ۱۹۷۹ اهمیت مدیریت موثر در کلاس را برجسته کرد. این مطالعات مبنای مدیریت رفتار دانش آموز و وظائف یادگیری و تفکر تفاوت قائل شد و متذکر شد سطوح بالاتر کنترل روی رفتارهای دانش آموز مانند: حرکت و صحبت با پیشرفت تحصیلی بیشتری همراه است.

نقش معلم در مدیریت کلاس

فرض کنید معلمی به کلاس وارد شود و از دانش آموزان بپرسد تا چه صفحه ای درس خوانده ایم و دانش آموز جواب دهد تا صفحه ی فلان. و بعد آن معلم به گوشه ای از کلاس رفته و شروع به تدریس کند. چنین معلمی هدفمند نیست زیرا طرح و برنامه ندارد و حال پرسش این است که معلم به عنوان یک عنصر هوشمند کلاس درس اگر فراگیرنده و رسانه ها محتوا و روش و ... را در اختیار گیرد چگونه می تواند به صورت هدفمند برنامه ریزی کند.

« رمز موفقیت در اداره ی کلاس به برنامه ریزی قبلی ارتباط دارد »

برای کار معلمی طرح درس کافی نیست و معلم باید دست به پیشگیری بزند. و عمل مناسب را انجام دهد تا دچار سردگمی نشود. اگر به تعریف مدیریت کلاس توجه کنیم درمی یابیم که « تهیه و اتخاذ شیوه های لازم برای ایجاد و حفظ محیطی که آموختن آموزش بتواند در آن اتفاق بافتد. » مدیریت کلاس مفهومی وسیع تر از نظم و انضباط دارد که صرفا ساکت نگه داشتن دانش آموزان در کلاس نیست. ساکت نگه داشتن دانش آموزان در کلاس هیچ ایرادی ندارد اما نباید کار اصلی معلم فرض شود. معلم در نقش رهبر کلاس مسئول هدایت و تدوین برنامه های یک ساله است تا مطمئن شود که دانش آموزان ملاک ها و معیارها و اهداف تدوین شده در رابطه با بهبود مرکز آموزش را درک و در صدد تحقق آن ها هستند. در این برنامه معلم باید به عنوان رهبر مشخص کند که چگونه باید عمل کند تا دانش آموزان در فرآیند آموزش درگیر و نقش فعالی را با علاقه مندی در جهت تحقق اهداف کلاس بپذیرند. معلمانی در امر مدیریت موفق هستند که نظم و انضباط را در جایگاه مناسب آن در کل صحنه ی آموزش قرار دهند. مدیریت کلاس همچنین مستلزم آن است که با ایجاد

محیط یادگیری مناسب به دانش آموزان یاد دهیم چگونه رفتار خود را در کلاس اداره کنند . با این حرف ها کلاس دازی مفهومی وسیعی یافته و به غیر از نظم و انضباط هدف های آموزشی معلم را در بر می گیرد . با اجرای طرح ها و مدیریت کلاس معلم نه تنها امیدوار است که میدان یادگیری دانش آموز افزایش یابد بلکه کمک می کند که دانش آموز متوجه رفتار خود باشد و آن را اصلاح کند .

معلم هنگامی که به کلاس وارد می شود به دانش آموزانی برخورد می کند که آن ها ممکن است از تجارب آموزشی خوب یا بد برخوردار باشند معلم باید با تمهیداتی در آن ها احساس خوبی به کلاس درس ایجاد کند آن ها ممکن است نسبت به معلم یا هم کلاسی ها یا مدرسه نگرش منفی داشته باشند . عملکرد عالی در کلاس موقعی ایجاد می شود که یادگیری چالش برانگیز و لذت بخش باشد و در بین دانش آموزان روح همکاری حاکم شود .

دانش آموزان چیزی بیشتر از اسامی هستند که ثبت نام شده و نام آن ها در دفاتر کلاس نوشته شده است . چون هر دانش آموز مرکز ثقل هر استراتژی هدف یا رسالتی است که نظام آموزشی در نظر گرفته است . بنابراین معلمانی که از توانایی های دانش آموزان آگاه باشند و چگونگی هدایت و مدیریت آن ها را نیز بدانند از اهمیت ویژه ای برخوردارند .

این مطلب بدیهی است که عدم اداره ی کلاس درس تحقق اهداف آموزشی و توانایی مدرسه و کلاس را یا مشکل مواجه کند . دانش آموز همگام پذیرش ، تشویق و احترام انگیزه خود را توسعه داده و پرورش می دهند و معلم به عنوان الگو نقش مهمی را در کلاس ایفا می کند . معلم نه با پاسخ کلامی بلکه با اعمال و رفتار به سوال های مهم دانش آموزان پاسخ می دهد و سوالاتی از قبیل : من کیستم ؟ آیا من می توانم متفاوت از دیگران پیشرفت کنم ؟ چگونه می توانم خودم را با دیگران سازگار کنم ؟ آیا معلم مرا پذیرفته و به من اعتماد دارد ؟ آیا معلم به من کمک می کند تا پیشرفت کنم ؟ این سوالات بسیار مهم هستند چون معلم به همه ی آن ها پاسخ می دهد و به آن ها می گوید کیستم و چه قدر ارزش دارند . دانش آموز با نحوه برخورد معلم با آن ها به مفهوم خود پی می برند و الگوهای رفتاری خاصی رایج می گیرند . معلم بایستی دانش آموز را شناخته و توانایی های او را بشناسد و خود باوری و عزت نفس را در او افزایش دهد .

به نظر فولز دالسون ۱۹۸۹ یکی از موارد مطلوب در رهبری کلاس سهم کردن دیگران در آگاهی و آموخته های دانش آموزان است . به همین علت معلم باید در آغاز سال تحصیلی زمان معینی را برای ارتباط با مسئولین مدرسه پیش بینی کند و برای معلم نیز ضروری است که به سخنان مسئولین مدرسه گوش کند . بهتر است که معلم قبل از شروع سال تحصیلی جلسه ای را با مدیران و مسئولان مدرسه داشته باشد که اصطلاحا به آن خانه ی باز گویند . که حدود یک هفته قبل از شروع مدرسه بهترین زمان برای انجام آن است . در این جلسه معلم می تواند با پرسش نامه هایی اطلاعاتی سودمند از دانش آموزان به دست آورند .

سبک های مدیریتی معلمان در کلاس

نگرش معلم به ماهیت کلاس درس ، موضوع و محتوای درس ، و ماهیت دانش آموز بر چگونگی رفتار او تأثیر دارد . بعضی از معلمان کلاس درس را یک سازمان رسمی و غیر قابل انعطاف تلقی می کند که قوانین و مقررات دقیقا باید رعایت و انتقال مطالب صورت بگیرد . چنین معلمانی با نگرش کلاسیک مدیریت بر موضوع های درس را تأکید می کنند . در مقابل عده ای دیگر از استادان کلاس درس را یک سازمان قابل انعطاف در نظر می گیرند و جهت رسیدن به اهداف با دانش آموزان رابطه ی دوستانه و صمیمی برقرار می کنند . بعضی از معلمان با در نظر گرفتن شرایط و موقعیت به طور اقتباسی عمل می کنند .

به طور کلی سبک های رهبری در کلاس درس را می توان به سه شیوه ی امرانه ، مشورتی و عدم مداخله تقسیم نمود . در شیوه ی امرانه معلم دستور می دهد و کنترل سختی را اعمال می کند . ولی برای ارتقاء سطح همبستگی و پیوند گروهی دانش آموزان تلاش نمی کند

در شیوه‌ی مشورتی معلم تلاش می‌کند، نظرات دانش‌آموزان را مد نظر قرار دهد و با ایجاد مباحث دو جانبه و کارهای گروهی زمینه‌ی افزایش همبستگی گروهی را افزایش دهد. در شیوه‌ی رهبری مبتنی بر عدم مداخله استاد اقدام خاصی برای رهبری دانش‌آموزان به عمل نمی‌آورد و راهنمایی‌های او مبهم بوده و در اکثر اوقات به دانش‌آموزان پاسخ‌های کوتاه و مختصر می‌دهد و از ارتباط زیاد با دانش‌آموزان خودداری می‌کند.

معلمان برای رابطه‌ی مثبت با دانش‌آموزان نیاز به تلاش و محرک دارند. معلمی که انتظاراتش روشن و با دانش‌آموزان مهربان بوده و رابطه‌ی متقابل توأم با احترام با آن‌ها دارد، در حال رهبری دانش‌آموزان است. مهربانی معلم نسبت به دانش‌آموزان باعث می‌شود که دانش‌آموز انتظارات مربوط به رفتارهای مناسب را از خود نشان دهد. معلمان در کلاس درس نیاز به سرد بودن و جدایی از دانش‌آموزان ندارند. رابطه‌ی دوستانه و داشتن حسن تفاهم با دانش‌آموزان امکان برخورداری از کلاس درس مثبت و مطلوب را فراهم می‌کند. دانش‌آموزان قادر به خواندن ذهن معلم نیستند، بنابراین معلم باید به طور اثر بخش انتظارات و علایق خود را به دانش‌آموزان انتقال دهد. و این انتقال باید دوستانه و محترمانه باشد.

رهبری اثر بخش در کلاس تحت تاثیر عوامل مختلفی چون شرایط فرهنگی، اجتماعی، نگرش‌های معلم به انسان، ساختار کلاس، ماهیت تعلیم و تربیت، سطح دانش، آگاهی‌ها و مهارت‌های شغلی معلم، سطح انگیزش دانش‌آموز و هدف‌های آموزشی است.

به عقیده‌ی برل، معلمانی که در انجام وظائف خود به عنوان رهبر موفق عمل می‌کنند کسانی هستند که به صورت متنوع تدریس نموده، عقائد و نظرات دانش‌آموزان را می‌شنوند و زمینه‌ی بحث و گفتگوی دو جابه را فراهم می‌کنند. چنین معلمانی با دانش‌آموزان همراهی می‌کنند تا نگرش‌های دانش‌آموز در فرآیند مباحثات اصلاح گردد. همچنین تا حدودی انعطاف پذیر هستند و ضمن پذیرش تعارض‌ها در کلاس درس سعی می‌کنند که، آن‌ها را تشخیص داده و با همکاری و مشارکت دانش‌آموزان نسبت به حل آن اقدام کنند.

موانع اداره‌ی اثر بخش کلاس

مدیریت موفق کلاس به این علت مشکل می‌باشد که در آن بایستی معلم به صورت هم زمان در موارد گوناگون، اطلاعاتی را پردازش کند (دوئل ۱۹۸۶). تحقیقات نشان می‌دهد که فرق بین مدیران اثر بخش و غیر اثر بخش این است که آن‌ها به جای اینکه منتظر بمانند رویدادها اتفاق بیفتد و سپس وارد عمل شوند، سعی می‌کنند نظم و همکاری در کلاس را حفظ کرده و از بروز مشکلات پیشگیری نمایند. (دوئل ۱۹۸۶، برونی ۱۹۸۸) عوامل آسیب‌پذیر کلاس مواردی هستند که مانع یاددهی و یادگیری شده و یا در آن اختلالی ایجاد کنند

لوین و نولان (۱۹۹۱) شاخص‌های آسیب‌پذیر کلاس را در چهار حوزه مطرح کرده‌اند:

۱. ویژگی‌های معلم
۲. ویژگی‌های دانش‌آموز
۳. فعالیت‌های یاددهی - یادگیری
۴. عوامل محیطی

در مورد ویژگی‌های معلم باید توجه کنیم که معلم دارای توانایی‌های:

○ جسمی - عقلی: یعنی معلم باید با نشاط و شاد باشد و برای کار خود آمادگی داشته باشد.

عاطفی - روانی : میزان توانایی در مورد موقعیتی که قرار می گیرد. از نظر روانی ، معلم فردی بالغ است و رفتارهای او الگوی دانش آموزان است .

رشد اجتماعی : انسان به عنوان موجود اجتماعی دارای ارزش هایی است، که متأثر از فرهنگ جامعه می باشد و معلم نماینده ی فرهنگ جامعه ی خود می باشد . مدرسه و کلاس نیز جامعه ی کوچک است ، تحت نفوذ فرهنگ جامعه و معلم به عنوان الگوی این ارزش ها در مورد درستی و نادرستی آن ها به تبادل نظر می پردازد . در این صورت چند حالت پیش می آید :

۱. ارزش هایی که در جامعه هنوز پابرجا هستند .

۲. ارزش هایی که اهمیت خود را از دست داده اند . مانند : مبارک بودن عدد ۷

۳. ارزش هایی که در گذشته نبوده و حال به وجود آمده اند . مانند : فرهنگ ترافیک یا فرهنگ آپارتمان نشینی .

و اما معلم باید بداند محور این همه فعالیت در جامعه و مدرسه و بخصوص در کلاس درس است . و تحقق هر هدف و تحولی در جامعه وابسته به جریان آموزش و پرورش می باشد، که تحقق اصلی آن به عهده ی معلم است .

در مورد فعالیت های یاددهی و یادگیری باید به سه مقوله زیر توجه کرد :

۱. توانایی نظارت هم زمان بر رفتار تک تک دانش آموزان .

۲. درجه ی پاسخگوئی هر یک از دانش آموزان : یعنی اینکه آیا به هر دانش آموز تکلیف مشخص داده شده است و آیا چاقوب زمانی مشخص برای انجام آن وجود دارد .

۳. دوره ی توالی و تنوع فعالیت ها .

بدین ترتیب معلم باید فعالیت هایی را طرح کند که توانایی نظارت هم زمان بر رفتار دانش آموزان را داشته باشد، و هر دانش آموز برای انجام وظیفه ی مشخص خود احساس مسئولیت کند و در آن طول تنوع و توالی فعالیت های یادگیری با گروه خاصی از دانش آموزان هماهنگی وجود داشته باشد .

در مورد عوامل محیطی پنج عامل مهم باید مد نظر قرار گیرد :

۱. زمان روز : اشاره به قرار داشتن درسی در برنامه روزانه می باشد .

۲. زمان سال : به رابطه ی خاصی با آغاز سال ، پایان سال و تعطیلات اشاره می کند . به طور کلی دروسی که در آغاز سال ارائه می شود با وقفه ی کمتر و دروسی که در پایان سال ارائه می شوند دارای وقفه ی بیشتری می باشد .

۳. رویدادهای بیرونی : شامل فعالیت های فصلی مانند : برف و یخبندان که کلاس تعطیل می شود .

۴. رویدادهای مدرسه : شامل جلسات و مراسم خاص در مدرسه .

۵. ملاحظات فیزیکی کلاس : که شامل میزان گرمی و سردی کلاس ، تهویه و طراحی کلاس و... می باشد .

به غیر از رویدادهای بیرونی بقیه عوامل توسط معلم قابل پیش بینی است و معلم باید حداکثر استفاده در کاهش صدمات عوامل محیطی را انجام دهد .

بسیاری از معلمان نمی دانند وقتی شاگردشان احساساتی عمل می کنند و مشکل خاصی دارند چگونه با آنان برخورد کنند. وقتی دانش آموز دچار غم و غصه شد، با او چه باید کرد؟ دانش آموز را نزد مشاور فرستاد؟ و یا اینکه مشکل خود به خود حل می شود؟

واقعیت این است که مسائل دانش آموز در خارج از کلاس باقی نمی ماند و با دانش آموز به کلاس آورده خواهد شد. و این یعنی مغل آموزش و یادگیری. وقتی دانش آموز گرفتار احساسات شدید یا غم و غصه گردید، چون امنیت او به مخاطره افتاده و احتیاجات جسمی وی اغنا نگردیده، یا مورد محبت قرار نگرفته قدرت انجام کار مدرسه کم و تلاش برای شناخت منشأ رفتار ناشایست دانش آموزان شایان توجه است. با آگاهی از منشأ این گونه رفتارهاست که می توان برای شناخت علل آن ها، اقدامات مناسب به عمل آورد.

هر معلمی باید از شیوه های گوناگون مقابله با مشکلات مدیریت کلاس آگاهی داشته باشد. و به هنگام تعیین خط مشی مقابله با مشکلات مدیریت کلاس باید هدف اصلی خود را مشخص کند و از خود بپرسد که اقدامات او تا چه حد در رسیدن به آن هدف موثر خواهد بود.

کیندزواتر (۱۹۷۸) یادآوری می کند که معلمان می توانند به بیان انتظارات خود در اولین روزهای آغاز سال تحصیلی و یا اولین جلسه کلاس به بیشترین شکل با مشکلات عاطفی دانش آموزان روبرو شوند. البته معلم باید انتظارات خود را در قالب جملات مثبت بیان کند تا دانش آموز احساس کند که انتظارات ماهیت تنبیهی ندارد، بلکه بخشی از مقررات عادی یک کلاس هستند. هوارد (۱۹۷۴) تاکید کرده است که معلمان باید در حضور دانش آموزان از جرو بحث اجتناب کنند. (صیامی ۱۳۸۴) خانه و محیط های خارج از مدرسه تأثیر عمده ای روی دانش آموزان و در نتیجه مشکلات کلاسی، درس و مختل کردن فعالیت های یادگیری دارند. (تایر به نقل از سرکار آرانی) معتقد است، ما به عنوان معلم در مورد این عوامل کار زیادی نمی توانیم انجام دهیم. ما می توانیم آن سلسله عوامل درون مدرسه را که سبب تمایل دانش آموز به یادگیری می شود مورد بحث قرار دهیم. و برای پیشگیری از رفتار بد دانش آموزان که شاید یکی از علل آن فقدان آموزش موثر باشد، باید به نکاتی توجه کنیم:

۱. تنبیه را از کلاس دور کردن و به جای آن از تشویق استفاده نمودن.

۲. باید توجه کرد که با روش های دیروز نمی توان دانش آموز را برای جامعه فردا تربیت کرد.

۳. عمل کردن و تنها واکنش نشان ندادن: بین عمل و واکنش تفاوت زیادی است. بسیاری از معلمان وقتشان را صرف واکنش نشان دادن می کنند، یعنی قبل از شروع کار خود در کلاس برای برقراری نظم و انضباط برنامه ای داشته باشید. به عبارتی انضباطی باشید، رهبر و تنظیم کننده باشید. به این که منتظر باشید که اگر مشکل ایجاد شد واکنش نشان دهید.

۴. مسئولیت ها را واگذار نمائید: هر چه قدر دانش آموز در قبال رفتار خود احساس مسئولیت نماید کمتر نیاز به اعمال مدیریت از سوی معلم خواهد داشت. به دانش آموزان که در این راستا خودشان را نشان داده اند، مسئولیت ندهید. اگر دانش آموز اشتباه کند، یا شکست بخورد دلیل بر بی کفایتی او نیست. از سوی دیگر واگذاری مسئولیت به دانش آموزی که خود مسئولیت پذیر است چه سودی دارد؟

۵. به دانش آموزان توجه کردن و تلاش کردن برای نشان دادن توجه خود به همه ی دانش آموزان.

۶. از تجربه ی همکاران استفاده کردن.

۷. پیامدهای منطقی و تدبیری رفتارها را در نظر گرفتن: پیامدهای طبیعی، پیامدهایی هستند که به صورت طبیعی و بدون مداخله از رفتار ناشی می شوند و معلم، مدیر و والدین آن ها را وضع نمی کنند. مثلاً: اگر دانش آموزی به علت عدم رعایت بهداشت دچار بوی بد

بدن شود، طبیعی است که سایرین از او کناره گیری نمایند. یا اگر دانش آموز درس نخواند، منطقی است که در امتحانات نمره ی کمتر بیاورد. پیامدهای منطقی، پیامدهایی هستند که آن ها را برای دانش آموزان وضع می کنیم. مثلاً: اگر دانش آموز درس نخواند، معلم او را موظف به مطالعه ی درس و دادن یک امتحان جبرانی می کند. پیامدهای تدبیری نیز از سوی ما وضع می شوند. اما رابطه ی بین این پیامد و رفتار دانش آموز خیلی روشن نیست. مثلاً: از دانش آموز که نمره ی کم گرفته است، بخواهید دور میدان فوتبال بدود. این پیامدها در واقع تنبیه هستند. بنابراین در جایی که طبیعت نمی تواند جلوی بد رفتاری دانش آموزان را بگیرد، معلم باید از پیامدهای منطقی استفاده کند.

۸. دانش آموز مشکل آفرین کلاس خود را برای یک مدت زمان محدود با دانش آموز یکی از همکارانتان جابجا کردن.

۹. قانون را اجرا کردن و دلیل تراسی نکردن.

۱۰. ارتباط چشمی را دست کم نگرفتن.

۱۱. به جای دوست بودن با دانش آموز، با آن ها دوستانه رفتار کردن.

۱۲. از دانش آموزان پرسیده نشود که چرا این گونه رفتار کرده است. این گونه سوالات هیچ نتیجه ای ندارد، مگر اینکه مشکلات را به بار می آورد. چون همه معتقدند که رفتار خود را با دلیل انجام می دهند. وقتی معلم از دانش آموز می پرسد: چرا این کار را انجام دادی؟ وی دلیلی می آورد که از نظر خودش قابل قبول، و از نظر معلم غیر قابل قبول است. اما وقتی که از دانش آموز پرسیده شود چه شده که فلان کار را انجام دادی؟ معلم و دانش آموز هر دو روی رفتار بد متمرکز می شوند. بین دو سوال «چرا این کار را انجام دادی؟» با، «چه شده که فلان کار را انجام دادی؟» زمین تا آسمان فرق است. در جمله ی اول شخصیت دانش آموز زیر سوال می رود. اما در جمله ی دوم، با این جمله به او فهمانده می شود که او ذاتاً بد نیست بلکه علتی باعث رفتار بدش شده و او باید به دنبال علت بگردد و آن را از بین ببرد.

۱۳. نتایج تکالیف و امتحانات را زود اعلام کردن، که نشان می دهد معلم به تکالیف دانش آموزان اهمیت می دهد، و دانش آموزان نیز بازخوردی فوری از عملکردشان به دست می آورند.

۱۴. نام دانش آموز را به خاطر سپردن و با احترام با آقا و خانم صدا کردن.

۱۵. سر حال و خونسرد بودن و به لباس پوشیدن اهمیت دادن.

راهکارهای ارائه شده توسط همکاران در رابطه با مدیریت کلاس

۱. اولین عامل در مدیریت اثر بخشی کلاس مدیریت نظم و انضباط است.
۲. از مهمترین راه کارهای موثر در مدیریت کلاس مشارکت دادن دانش آموزان در بعضی از امور مربوط به کلاس و مدرسه است.
۳. یافتن نقاط ضعف و قوت دانش آموزان در کلاس و از بین بردن نقاط ضعف دانش آموزان.
۴. اهمیت دادن به یکایک دانش آموزان بازخورد مناسب به هر یک از آن ها.
۵. داشتن طرح درس و برنامه ی مناسب برای مدیریت کلاس.
۶. برنامه ی کلاسی را طوری طرح ریزی کرد تا از بروز هر گونه مشکلی در آینده جلوگیری کرد.
۷. همیشه در برخورد با دانش آموزان مشکل دار بهتر است ابتدا از منشا وقوع این مشکل آگاهی داشته باشیم سپس با توجه به شخصیت دانش آموز اقدامات لازم را انجام دهیم.

چون فرآیند یادگیری و آموزش از طریق تعامل در کلاس صورت می گیرد، بایستی عوامل موثر و دخیل بر آن به صورت علمی بررسی شود. مدیریت اثر بخش کلاس به عوامل مختلفی از جمله وضعیت اقتصادی و فرهنگی معلم، پایگاه اجتماعی معلم و دانش آموزان، تجارب قبلی معلم و نیز اهداف آموزشی و هدف های یادگیری مورد توافق معلم و دانش آموز بستگی دارد.

از جمله نتایجی که از این مقاله گرفته می شود این است، که جهت اداره ی کلاس رابطه ها و فرمول های خاصی وجود ندارد، بلکه باید متناسب با جو و فضای کلاس، محتوای آموزش، منابع و وسایل آموزشی، شرایط اقتصادی، جغرافیایی و دانش آموز از راه کارهای مختلفی جهت مدیریت کلاس بهره جست و تا حد امکان سعی شود مشکلات کلاس پیش بینی و از بروز آن ها جلوگیری گردد. باید در نظر گرفت، مدیریت کلاس معادل مفاهیم انطباطی یا تدریس صرف نیست. باید توجه کرد معیارها در هر کار آموزشی موفقیت دانش آموزان است. پس باید محیط کلاس به یک محیط جذاب و مثبت تبدیل گردد.

منابع

۱. لنکرانی مهنار، بررسی مشکلات اجزای آموزش ها ۱۳۸۰ اصفهان.
۲. صفوی امان الله (۱۳۷۲) مدیریت کلاس، فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش.
۳. مرعشی علی اکبر (۱۳۷۱) مدیریت و سازماندهی کلاس درس و رشد تکنولوژی کلاس درس.
۴. سرکار آرانی محمد رضا، الفبای مدیریت کلاس تهران انتشارات مدرسه.
۵. بهرنکی محمد رضا (۱۳۷۶) مدیریت رفتار کلاسی انتشارات آستان قدس رضوی.